



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

Vol. 51, No. 2, Issue 103

سال پنجاه و یک، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۳

Autumn & Winter 2019-2020

پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۱۹-۱۳۴

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhc.v51i2.87560>

نقش طغاجار نویان در تحولات سیاسی - نظامی عهد ایلخانی *

دکتر جواد عباسی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: jabbasi@um.ac.ir

ابراهیم خسروی برده^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: ekhosravi83@yahoo.com

چکیده

ایلخانان قلمرو خود را به کمک دو نهاد اداری (دیوان) و امارت اداره می‌کردند. در رأس نهاد امارت، فرماندهان ارشدی با عنوان نویان قرار داشتند که از آغاز تا اضمحلال سلسله ایلخانی در وقایع سیاسی چون تحولات جانشینی نقش پررنگی ایفا کردند. پیرامون برخی از نویان‌های دوره ایلخانان چون نوروز و چوپان بحث‌های زیادی شده است؛ اما امیرانی کمتر شناخته شده چون طغاجار نیز حضور داشتند که شناخت نقش و عملکرد آن‌ها می‌تواند ابعاد و اهمیت نهاد امارت و نقش آن را در تحولات حکومت ایلخانان روشن‌تر سازد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال بررسی و مطالعه زمینه‌های قدرت‌گیری و عوامل مؤثر بر رفتار سیاسی طغاجار نویان است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جایگاه اشرافیت نظامی مهم‌ترین عامل رشد نویان‌ها در ساختار سیاسی حکومت ایلخانان بود. طغاجار به‌عنوان امیری تاج‌بخش دست‌کم در قدرت گرفتن با از تخت فروافتادن پنج ایلخان (احمد نگودار، ارغون، گیخاتو، بایده و غازان) نقشی مشهود داشت. الگوی رفتار سیاسی امیرانی مشابه طغاجار موجب ایجاد رقابت‌های سنگین و پرهزینه میان نویان‌ها و یورت‌های مختلف شد و نبردهای چهارساله (۶۹۰-۶۹۴ق) داخلی بر سر جانشینی از مصادیق بارز این رقابت‌ها بود.

کلیدواژه‌ها: ایلخانان، نهاد امارت، نویان‌ها، طغاجار نویان.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶.

۱. نویسنده مسئول.

The role of Tokuchar Noyan in the political-military developments of the Ilkhanid era

Dr. Javad Abbasi, Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Ebrahim Khosravi Bardeh, MA graduate, Ferdowsi University of Mashhad
(Corresponding Author)

Abstract

The Ilkhanids ruled their territories by means of two administrative institutions, (the Diwan) and the Emirate. At the top of the Emirate were senior commanders called the Noyans, who played a crucial role in political events such as succession developments, from the dawn to the fall of the Ilkhanid dynasty. There are heated debates about some of Noyans in the Ilkhanid period such as Nowruz and Chupan. However, there are lesser-known emirs such as the Tokuchar that understanding their role and function can shed light on various dimensions and important role of the Emirate in the developments of the Ilkhanids. The present study adopts a descriptive-analytical method to explore the factors underlying the power of Ilkhanate as well as factors shaping the political behavior of the Tokuchar Noyan. The findings suggest that the high status of the military aristocracy was the key factor contributing to the promotion of the Noyans in the political structure of the Ilkhanid government. Tokuchar, as a crown-bestower, had a prominent role in ascension and deposition of at least five Ilkhans (Ahmad Taghudār, Arghun, Gikhāto, Bāidu, and Ghāzān). The political behavior of the Emirs the like of Tokuchar provoked a heavy and costly rivalry between the Noyans and different Yurts, with the four-year (690-94 AH) internal battles over succession being conspicuous instances of such rivalries.

Keywords: Ilkhanids, Emirate Institution, Tokuchar Noyan, Political-Military Developments

مقدمه

حکومت ایلخانان در میان سال‌های ۶۵۶ - ۷۰۰ ق تحولات سیاسی - نظامی و اجتماعی مهمی را پشت سر گذاشت. در فاصله سال‌های ۶۸۳ - ۶۹۴ ق پنج ایلخان توسط جناح‌های رقیب تاج‌گذاری کردند. نویان‌ها و امیران بزرگ نظامی که به‌طور فزاینده‌ای در پی افزایش قدرت بوده و هیچ محدودیتی را نمی‌پذیرفتند، تأثیر زیادی بر این بی‌ثباتی سیاسی داشتند. نخستین قدرت‌نمایی نویان‌ها در برابر خاندان چنگیزی در ایران که نشانگر افول جایگاه رهبری این خاندان در نزد نویان‌ها بود، خیانت گروهی از امیران ارشد برضد احمدتگودار و به قدرت برداشتن ارغون‌خان بود. واقعه‌ای که در منش نویان‌های بعدی مؤثر افتاد و پس از افول بوقا چینگسانگ که سردسته امیران مخالف احمد بود، گروهی از امیران چون طغاجار، نوروز و چوپان ظهور کردند که کنترل دربار را در دست گرفته و در همه سیاست‌های حکومت دخالت می‌کردند. هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش نویان‌ها در تحولات سیاسی دوره ایلخانان با تمرکز بر نقش امیر طغاجار از دوره ارغون‌خان تا دوره غازان خان است.

پیرامون نقش طغاجارنویان پژوهش مستقلی به چشم نمی‌خورد؛ اما در تحقیقات مختلفی که درباره نقش نهاد امارت یا پیرامون دیگر نویان‌ها چون بوقا، نوروز و چوپان به نگارش درآمده، به نقش طغاجارنویان نیز به‌صورت اجمالی اشاره شده است.^۱ هوپ در بررسی تحولات نهاد امارت در دوره ایلخانی تا حدی به نقش طغاجار توجه کرده است. این پژوهشگر در بیان وقایع سیاسی دوره بایدو به نقش امیر طغاجار پرداخته و علل تغییر موضع‌های پی‌درپی او را بررسی کرده است.^۲ تمرکز پژوهشگران بر نقش امیرانی چون بوقا، نوروز و چوپان و پررنگ‌تر بودن نقش آن‌ها در تحولات سیاسی و نظامی دوره ایلخانان، نقش امیرانی چون طغاجارنویان را در سایه قرار داده است.

۱. جواد عباسی، امارت در ایران عهد مغول (رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ش)، ۶۰۹؛ عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸ش)، ۲۳۷؛ ابوالفضل نبی، تاریخ آل چوپان، (تهران: دانش امروز، ۱۳۵۲ش)، ۱۸۷-۱۹۶؛ ج. آر. بویل، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان»، در تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا پایان دولت ایلخانی، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹ش)، ۳۵۱؛ حسن‌پور، شکوفه، فریدون الهیاری و فیض‌الله بوشاسب، «مسئله جانشینی گیخاتوخان و چالش‌های دوران سلطنت بایدو»، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۴۰ (پاییز ۱۳۹۴): ۳۶-۵۴.

Mustafa Uyar, "BUQA CHĪNGSĀNG: PROTAGONIST OF QUBILAI KHAN'S UNSUCCESSFUL COUP ATTEMPT AGAINST THE HÜLEGÜID DYNASTY", BELLETEN, LXXXI/291 (August 2017): 373-86; Michael Hope, "The Nawrūz King": the rebellion of Amir Nawrūz in Khurasan (688-694/1289-94) and its implications for the Ilkhan polity at the end of the thirteenth century", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Volume 78, Issue 3 (October 2015): 451-473.

2. Michael Hope, *Power, Politics, and Tradition in the Mongol Empire and the Īlkhānate of Iran* (New York: Oxford University press, 2016), 165.

۱- بسترها و زمینه‌های قدرت‌یابی امیر طغاچار^۱

ساختار اجتماعی و سیاسی امپراتوری مغول نخستین بستر برای قدرت‌یابی نویان‌ها و امیران به شمار می‌رود؛ زیرا امپراتوری مغول اساساً یک سیستم نظامی بود که در رأس آن امیران و جنگجویان قرار داشتند. در صورتی‌که هریک از این امیران از ویژگی‌های لازم برای رهبری برخوردار بود، می‌توانست با تکیه بر تقسیم نظام دهگانی ارتش مغولی قدرت بسیاری به‌دست آورده و در تحولات مختلف مؤثر باشد.^۲

دیگر بستر قدرت‌گیری برای امیران در این دوره پایگاه خاندانی و جایگاه اشرافیت قبیله‌ای است. فرزندان و وارثان نظامیان بلندمرتبه با توجه به نقش و قدرت اسلاف خود درجه‌ای از قدرت و جایگاه سیاسی و نظامی را اشغال می‌کردند.^۳ خاندان امیر طغاچار (Taghachar, Tajir و Ta'achar) از جمله فرماندهان سپاه بودند که هم‌زمان با لشکرکشی هلاکوخان به ایران وارد شدند. پدر او، قوتوبوقا از فرماندهان سپاه در عهد هلاکوخان و آباقا بود که در سال ۶۶۳ق در نبرد با اولوس جوچی کشته شد.^۴ نخستین اقدام ارغون بعد از نشستن به قدرت (۶۸۳ق) و اگذاری فرماندهی سپاه قراوناس به طغاچار بود که فرماندهی این سپاه پیشتر در اختیار پدرش قرار داشت.^۵ دوغلات اجداد امیر طغاچار را به قبیله سوغالون می‌رساند^۶ و رشیدالدین فضل‌الله همدانی مورخ معاصر طغاچار او را از طایفه ترک سوقایوت (سوقایوت) می‌داند که از قوم بارین منشعب شده بود. به گزارش این مورخ شمار فراوانی از افراد این طایفه به خدمت مغولان وارد شده و به ایران مهاجرت کرده بودند.^۷

۱. شکل لغتی واژه طغاچار در منابع به صورت‌های مختلفی نوشته شده است: تُغاجار، طغاچار، طغاچار، طاجار، تاجار، تاجار، تاجار، تاجار، طوغاچار، تاجار، تخوچار و طغاچر نوشته شده است. شکل واژه در آثار همدانی، به صورت طغاچار نوشته شده است که شکل لغتی و ظاهری واژه در این مقاله مبتنی بر آثار همدانی است.

۲. ابوالفضل رضوی، «جایگاه اشرافیت نظامی در ساختار سیاسی عهد ایلخانان»، جامعه‌شناسی تاریخی، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۵۳-۷۷.

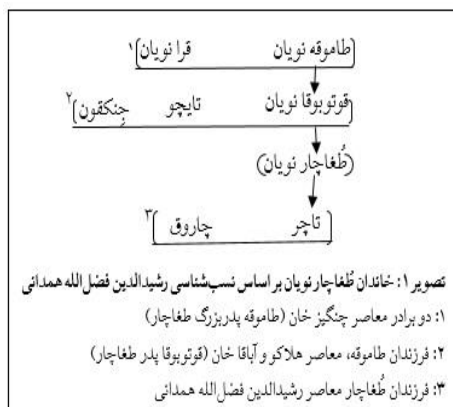
۳. محمد بن هندوشاه نخجوانی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، (مسکو: انتشارات دانش، ۱۹۷۶)، ۲/۲۵؛ رضوی، «جایگاه اشرافیت نظامی در ساختار سیاسی عهد ایلخانان»، ۷۱-۷۰.

۴. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ، به تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی (البرز: تهران، ۱۳۷۱ش)، ۱/۱۹۶-۲۰۰؛ فخرالدین ابوسلیمان داوود بناکتی، روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب، به تصحیح جعفر شعار (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ش)، ۴۲۸.

۵. عباسی، امارت در ایران عهد مغول، ۶۰۹.

۶. همان، ۶۰۶.

۷. همدانی، همانجا.



منازعات قدرت برای تصاحب تخت خانی در میان شاهزادگان مغولی نیز عاملی بود که به افزایش قدرت امیران و نبردهای داخلی دامن می‌زد. هریک از شاهزادگان مدعی قدرت برای دستیابی به اهداف سیاسی به ارتشی قدرتمند که در رأس آن امیران و نویان‌ها قرار داشتند، نیازمند بود. پس از پیروزی نیز برای وفادار نگه‌داشتن حامیان خود ناچار بود در وهله نخست رضایت آنان را جلب کرده و به ایشان اختیارات گسترده و مناصب مهمی را واگذارند. از جمله، ارغون و بایدو با کسب حمایت امیرانی چون بوقا (امیرالامرا و وزیر ارغون) و طُغاجار (امیرالامرای بایدو) به قدرت رسیدند و پس از تصدی مقام ایلخانی به امرای حامی خود اختیارات و مناصب زیادی واگذار کردند.^۱ دیگر زمینه ظهور و بروز امیران (Amirs) به‌عنوان قدرتی بزرگ، قدرت‌طلبی ذاتی امیران مغولی است که در راستای نفوذ و کسب مناصب بالا به‌ویژه امیرالامرای و حکومت شهرها با امرای دیگر وارد رقابت‌های سیاسی - نظامی می‌شدند. از طرف دیگر، ایلخانان نیز با سیاست تغییر امیران در راستای کاهش قدرت امیران گریزان از مرکز که بیش‌ازحد قدرت گرفته بودند، به جریان درگیری امیران دامن می‌زدند.^۲

در حکومت ارغون، بایدو، غازان و سپس ابوسعید چهار تن از امیران ذاتاً قدرت‌طلب ظهور کردند که همه سرنوشتی یکسان داشتند. بوقا امیرالامرای ارغون‌خان،^۳ نوروژ امیرالامرای غازان‌خان^۴ و چوپان

۱. برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب (تهران: بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۵۱ ش)، ۹۵؛ غیاث‌الدین خواندمیر، تاریخ حبیب‌السیب (تهران: خیام، ۱۳۸۰ ش)، ۱۴۰/۳؛ عبدالله بن فضل‌الله و صاف، تحریر تاریخ و صاف، به تحریر عبدالمحمد آیتی، (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش)، ۱۲۹.

۲. عباسی، امارت در ایران عهد مغول، ۲۸۸؛ رضوی، «جایگاه اشرافیت نظامی در ساختار سیاسی عهد ایلخانان»، ۷۵-۶۵.

۳. و صاف، تحریر تاریخ و صاف، ۱۲۹-۱۳۰؛ عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ۲۳۷؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، به تصحیح عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش)، ۵۹۵.

۴. و صاف، تحریر تاریخ و صاف، ۱۸۴.

امیرالامرای ابوسعید^۱ هر سه در به قدرت رساندن ایلخان معاصر خویش نقش قابل توجهی ایفا کردند. همچنین هر سه در دوره امیرالامرای با کسب نفوذ فراوان ایلخان را به حاشیه رانده و خط مشی کلی نظام را تعیین می‌کردند. تکاپوهای این سه با مخالفت ایلخان و امیران وقت روبه‌رو شد؛ بنابراین، ایلخان و امیران دیگر که از قدرت و تجاوز این امیران بلندمرتبه رنجیده‌خاطر بودند، با اتحاد یکدیگر آنان را از قدرت به زیر کشیدند. در واقع، اعتبار و قدرت امرا گاه سبب زوال ایشان بود و از آنجا که اقتدار بیش از حد آنان با مصالح ایلخان و حکومت مطلقه او و قدرت‌نمایی شخصی دیگر امیران سازگار نبود، به‌زودی از میان برداشته می‌شدند. بوقا، نوروژ و چوپان چنین سرنوشتی داشتند.^۲

در دوره ارغون، امیرانی چون طغاچار، قونج‌بال، طولادای ایداجی، سلطان ایداجی، طغان، جوشی و اردوقیا،^۳ در دوره غازان امیرانی چون امیر نورین آقا^۴ و دوره ابوسعید امیرانی از قبیل امیراکنج، امیر محمود ایسن قتلغ، امیر نیک‌روز و امیر محمدبیگ و به‌خصوص امیر نارین طغای^۵ که در براندازی بوقا، نوروژ و چوپان قدرت گرفته بودند به امرای مسلط بر امور سیاسی و نظامی تبدیل شدند. جابه‌جایی نوپان‌ها و امیران پیش‌رو در ایران و آسیای صغیر در دوره ایلخانان، بر فضای سیاسی، امنیت اجتماعی و اوضاع اقتصادی تأثیر مخربی داشت.^۶

۲- طغاچار از عهد هلاکو تا تگودار: ارتقا از منصب قضایی به فرماندهی سپاه

مهم‌ترین منصب طغاچار از دوره هلاکو تا روی کار آمدن سلطان احمد تگودار یارغوجی ثبت شده است.^۷ یارغوجی همان منصب قضایی و بازرسی بود که معمولاً به امیران ترک - مغول بزرگ و قابل اعتماد سپرده می‌شد و در مسائل سیاسی چون شورش‌ها، مسائل مالی و مسائل اجتماعی به‌عنوان بازرس و نماینده ایلخان اقدام می‌کرد.^۸ به گفته نخجوانی، شرط سپردن این منصب به امیران داشتن آگاهی از قوانین و سنن

۱. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد (تهران: آگه، ۱۳۷۶ش)، ۲۷۸/۱؛ نینی، تاریخ آل چوپان، ۱۸۷-۱۹۶.

۲. هاشم رجب‌زاده، آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل‌الله (تهران: توس، ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، ۲۵۹.

۳. مستوفی، تاریخ گزیده، ۵۹۹؛ همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۹۱/۲.

۴. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تاریخ مبارک غزانی، به تصحیح کارلیان (هرتفرد: استنن اوستین، ۱۳۵۸ق)، ۱۰۲.

۵. مستوفی، تاریخ گزیده، ۶۲۱-۶۲۲؛ محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای، مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱ش)، ۲۸۲/۲-۲۸۴.

6. Michael Hope, *Power, Politics, and Tradition in the Mongol Empire and the Īlkhānate of Iran* (New York: Oxford University press, 2016), 165.

۷. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۱۹؛ علاءالدین جوینی، تسلیة الاخوان، به تصحیح عباس ماهیار (تهران: آباد، ۱۳۶۱ش)، ۱۱۹.

۸. جعفر نوری، علی‌اکبر کجیاف و فریدون اللهیاری، «محکمه یارغو: پژوهشی در باب محکمه قضایی ایلخانان مغول»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، شماره ۲۴ (زمستان ۱۳۹۳): ۱۴۲-۱۴۸.

مغولی به خصوص یاسا و یارغونامه بود و صاحب این منصب در دربار قدرت ویژه‌ای داشت.^۱ تصدی این مقام به مدت طولانی توسط طغاجار هم نشانگر دانش او در زمینه قوانین بازرسی مغولی است و هم گویای موفقیت او در انجام وظایفش؛ زیرا در صورت ضعف نباید به مدت طولانی در این منصب باقی می‌ماند. به گفته جوینی، رسیدگی به اتهامات امیران تبریز و رسیدگی به اتهامات جوینی در بغداد از جمله بازرسی‌های ابتدایی طغاجار است.^۲ آباقا در ۶۸۰ ق مجدداً طغاجار یارغوچی را مأموریت داد به اوضاع آشفته سیاسی - مالی فارس و سوسامان دهد که در سایه نابخردی و نافرمانی حاکم و شحنة این ناحیه به آشوب کشیده بود.^۳ با مرگ ناگهانی آباقا، طغاجار از فارس به اردوی سلطان احمد تگودار ملحق شد. سلطان احمد پس از سوسامان دادن به اوضاع درحالی‌که شاهزاده ارغون عصیان و مخالفت خود را علنی کرده بود، امیر طغاجار را مأمور سرکوب شورشیان کرد که حاکی از حفظ سمت امارت یارغو یا یارغوچی توسط طغاجار است. سرکوب شورش امیران فارس توسط امیر طاشمنکو و فرار آنان به خراسان نزد شاهزاده ارغون بیانگر عزل طغاجار از این مأموریت است که او نیز حامی ارغون خان بود. طغاجار با حمایت از ارغون درحالی‌که از سمت امارت یارغو عزل شده بود، امیری یک تومان را در سال ۶۸۱ ق به همراه کوس و علم دریافت کرد؛ اما با شکست ارغون، امیرانی چون طغاجار در سال ۶۸۲ ق دستگیر و در تبریز زندانی شدند.^۴

با شکست احمدتگودار، طغاجار و دیگر امیران زندانی آزاد شدند. ارغون در سال ۶۸۳ ق بدون تشکیل مجلس قوریلتای با حمایت امیرانی چون بوقا، شکتورنویان و طغاجار به تخت خانی نشست.^۵ و در کنار امیر بوقا و نوروز که مقام‌های بلندی چون امیرالامرای، وزارت و حکومت خراسان را به آنان تفویض کرده بود، فرماندهی سپاه قراوناس (Qara'una tü men) را به طغاجار سپرد.^۶ اقدام ارغون خان برای شکستن قدرت نامحدود بوقا و میدان دادن به امیرانی چون طغاجار فرصت مناسبی بود تا او جای رقیب دیرینه خود را بگیرد. علاوه بر حمایت ارغون از امیران مخالف بوقا، قدرت و زیاده‌خواهی بوقا نیز سبب نارضایتی دیگر امیران از او شده بود.^۷

۱. نخجوانی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، ۳۰-۳۵/۲.

۲. جوینی، تسلیة الاخوان، ۱۱۹.

۳. همدانی، تاریخ مبارک غزالی، ۱۱۰؛ آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۱۹.

۴. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۷۲، ۱۱۹.

۵. همان، ۸۱.

۶. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ۱۲۱/۳.

۷. همان، ۲۹۷/۳؛ بناکتی، روضه اولی الالیاب فی معرفه التواریخ و الاسباب، ۴۴۴.

ارغون در راستای قدرت بخشی به دیگر امیران مناصب مهمی به آنان واگذاشت و از جمله، طُغاجار را به حکومت فارس منصوب کرد. صدرالدین خالد زنجانی به عنوان نایب طُغاجار به فارس فرستاده شد و گزارش هایی مبنی بر دخالت بوقاجینگسانگ در امور مالی این منطقه به مرکز حکومت انتقال داد که دست مایه مناسبی برای مخالفت ارغون و طغاجار با بوقا شد. بعد از عزل بوقا، ارغون املاک اینجوا^۱ را نیز به طُغاجار واگذاشت و فرماندهی سپاه را به امیر قونجق بال سپرد.^۲ رهبری سپاهیان مغول در بیشتر جنگ های عهد ارغون غالباً با امیر طُغاجار بود: از جمله شرکت او در سرکوبی کردها (۶۸۵ق)، شورش امیربوقا (۶۸۷ق) و بعداً سرکوب قیام شاهزاده جوشکاب (۶۸۷ق)،^۳ دفع حمله اردوی زرین از دربند (۶۸۹ یا ۶۸۸ق) و لشکرکشی به خراسان برای سرکوب شورش در همین سال.^۴ طُغاجار در روابط دولت ایلخانان با حکومت باگراتیدی^۵ گرجستان از دوره ارغون خان به بعد نیز نقش مهمی داشت و به سبب نفوذ خود در این منطقه تلاش هایی برای عزل و نصب حکمرانان آنجا انجام داده بود.^۶

از سال ۶۸۷ق تا سال ۶۹۰ق نام هیچ امیری به عنوان امیرالامرا ثبت نشده است. فقط منابع از طُغاجار به عنوان بزرگترین امیر این دوره و امیر اولوس یاد می کنند که بررسی متن دستور الکتاب نخجوانی نشان می دهد که امارت اولوس همدوش منصب امیرالامرا بوده است. حضور طغاجار در رأس بیشتر لشکرکشی های دوره ارغون با وجود اینکه فرماندهی سپاه به قونجق بال واگذار شده بود ریاست طغاجار بر دیگر امیران را قوت می بخشید.^۷ در این سه سال نهاد وزارت هم دوش نهاد امارت متنفذ بود و سعدالدوله رهبر دیوان، رقابتی سنگین با نوپانها و امیران بزرگ این دوره آغاز کرده و حتی امیران را تا حدودی به حاشیه رانده بود.^۸ از این رو، گروهی از امرا و نوپانها از جمله قونجق بال، توکال، ایلچیدای و طوغان قهستانی، تنگنا و امیر سماغار به رهبری طُغاجار در ۴ محرم ۶۹۰ق هنگامی که ارغون خان در ناحیه آزان به شدت بیمار بود، برای بازگشت به قدرت و کنار زدن دیوانیان و امیران همدست آنان چون سلطان ایداجی، جوشی و

۱. اینجو واژه ای مغولی و به معنای املاک خالصه و اختصاصی ایلخان بود که گاهی اداره آن به یکی از امیران با نفوذ سپرده می شد. نک: سیدمحمدحسین منظورالاجداد، «املاک اینجو و وقف خاص در دوران ایلخانان نمونه فارس»، وقف میراث جاویدان، شماره ۱۰ (تابستان ۱۳۷۴): ۶۸-۷۳.

۲. همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۶۷/۲؛ خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ۱۲۹/۳؛ ناصرالدین منشی کرمانی، نسانم الاسحار من لطائف الاخبار، به تصحیح میرجلالدین حسینی ارموی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴ش)، ۱۰۹.

۳. همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۷۲/۲؛ اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ۹۱.

۴. قاضی احمد تنوی و آصف خان قزوینی، تاریخ الفی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش)، ۴۲۰/۵-۴۲۰/۶؛ همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۷۸/۲.

5. Bagratid dynasty

6. M. F. Brosset, *Histoire de La Georgie* (St. Petersburg: anonyme, 1849), 606-7

۷. نخجوانی، دستور الکاتب فی تعیین المراتب، ۱۱۹/۲.

۸. منشی کرمانی، نسانم الاسحار من لطائف الاخبار، ۱۰۸-۱۱۰؛ غیاثالدین خواندمیر، دستور الوزراء، به تصحیح سعید نفیسی (تهران: اقبال، ۱۳۵۵)، ۳۰۵-۲۹۹.

اردوقیا که با وساطت سعدالدوله در نزد ارغون جایگاه طغاجار و همدستان او را گرفته بودند، شورش کردند. رئیس دیوان سعدالدوله و امیران بلندرتبه‌ای چون سلطان ایداجی، اردوقیا، قوجان و جوشی توسط شورشیان در خانه طغاجار کشته شدند.^۱ مهم‌ترین پیامد سیاسی این عصیان تغییر مسیر جانشینی و شکل‌گیری نبردهای ۴ ساله (۶۹۰-۶۹۴ق) داخلی بر سر جانشینی بود. گرچه سعدالدوله نیز مانند امیرانی چون بوقا و طغاجار دارای تمایلات انحصاری قدرت بود، به هنگام بیماری ارغون جانشین او غازان‌خان را از خراسان به مرکز حکومت دعوت کرد تا قدرت را به خان جدید بسپارد؛ اما وقوع شورش و قتل حامیان غازان‌خان در تبریز، شاهزاده ایلخانی را درحالی‌که در خراسان نیز با شورش نوروژ درگیر بود از آمدن به تبریز منصرف کرد. این حوادث در ضعف روحیه ارغون‌خان و تشدید بیماری او بی‌تأثیر نبود.^۲

پس از فوت ارغون و غیبت غازان، بایدو و گیخاتو دو مدعی اصلی جانشینی بودند که هرکدام از سوی جبهه‌ای از امیران حمایت می‌شدند. امیر طغاجار و همدستان او در برابر حامیان گیخاتو، طالب ایلخانی بایدو بودند. به گزارش منابع تاریخی معاصر این حوادث، بایدو و گیخاتو افرادی دل‌رحم بودند که در برابر امیران اقتدار چندانی نداشتند.^۳ به نظر می‌رسد علت اصلی حمایت جبهه طغاجار از بایدو نگرانی آنان از جایگاه خود در تبریز بود؛ زیرا گیخاتو که مدت‌ها در آسیای صغیر به سر برده بود جبهه امیرانی در اطراف خود داشت که سال‌ها به او خدمت کرده بودند. از این‌رو، به نظر می‌رسید گیخاتو نیز مانند پیشینیان به محض تصاحب خانی مهم‌ترین مناصب نهاد امارت و حکمرانی ولایات را به این امیران بسپارد و امیرانی امثال طغاجار را به حاشیه براند. با ورود سریع گیخاتو به پایتخت و عدم حمایت قطعی و عملی شاهزاده بایدو از امیران حامی خود، خانی بر گیخاتو قرار گرفت.^۴

گیخاتو پس از به قدرت رسیدن به بررسی کیفیت قتل امیران و سعدالدوله مجلس یارغویی ترتیب داد که در آن مجلس فقط امیر طوغان قهستانی به قتل محکوم شد و دیگر شورشیان بخشیده شدند.^۵ بخشش امیران یاغی نه تنها سیاست صحیحی نبود؛ بلکه غفلت از آنان نیز بدترین تصمیمی بود که گیخاتو می‌توانست در پیش بگیرد؛ زیرا با نادیده گرفتن این امیران زمینه و بهانه‌ای برای شورش مجدد امیران یاغی

۱. منشی کرمانی، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، ۱۰۹؛ همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۹۱/۲؛ مستوفی، تاریخ‌گزیده، ۵۹۹؛ بناکتی، روضة‌اولی الالباب، ۴۴۶؛ خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ۱۲۹/۳-۱۳۰.

۲. همان، ۱۲۹/۳-۱۳۰؛ معین‌الدین نطنزی، منتخب التواریخ معینی، به تصحیح پروین استخری (تهران: اساطیر، ۱۳۸۳ش)، ۱۲۱.

۳. همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۸۳/۲.

Rabban Sawma and Rabban Markos, *The monks of Kublai khan emperor of China*, Translated by E. A. Wallis budge (London: the religious tract society, 1928), 63.

۴. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۵۷؛ همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۸۴/۲، ۱۱۹۱.

۵. همدانی، جامع التواریخ، ۱۱۸۲/۲؛ مستوفی، تاریخ‌گزیده، ۶۰۰.

باقی گذاشت.^۱ گیخاتو امیران مخالف خود را که در رأس آنان طُغاجار و قنجق بال قرار داشتند از هزاره‌های خود عزل و آن‌ها را به امیران طرفدار خود واگذاشت و شکیتورنویان رقیب قدیم طُغاجار را به فرماندهی سپاهیان و امیرالامرای منصوب کرد.^۲

حتی فرستادن طُغاجار همراه شکیتورنویان به اران نیز مؤثر واقع نشد زیرا در کنار نفوذ طُغاجار در این مناطق (اران، گرجستان و آسیای صغیر)، شکیتورنویان نیز از توان و سیاست کافی برای ننگه‌داشتن طُغاجار در سایه خود برخوردار نبود و به هنگام بازگشت امیرالامرا به تبریز، طُغاجار به اولوس خود در اران رفته و از آنجا به عضویت توطئه جدیدی درآمد که از سوی صدرالدین خالد زنجانی با شایعه شکست گیخاتو در سرکوب شورشیان ناحیه روم آغاز شده بود.^۳ صدرالدین و طُغاجار برای مشروعیت شورش خود یک شاهزاده مغولی به نام انبارچی را نیز با خود همراه کردند اما شورش آنان در سال ۶۹۱ق سریع سرکوب شد. گیخاتو که با زور و تهدید نتوانسته بود زمینه عصیان امیر طُغاجار و امیران جبهه او را از بین ببرد، کوشید تا با بخشیدن امتیاز و ارزانی داشتن رتبی معهود، این امیران را به خود نزدیک کند. ازاین‌رو، ایلخان طُغاجار سردسته امیران را بخشیده و به آلتاغ فرستاد و صدرالدین نیز کمی بعد مقام وزارت را اشغال کرد.^۴ فرمانی از گیخاتو که مربوط به سال ۶۹۲ق است و در آن، بعد از نام ایلخان نام سه امیر بزرگ به ترتیب شکیتور، آق‌بوقا و طُغاجار آمده، بیانگر جایگاه بالا و قدرت طُغاجار در کنار این دو امیر است.^۵

۳- طُغاجار در دوران بایدو: تصاحب امیرالامرای

شورش بایدو برضد گیخاتو از دیگر وقایعی است که در آن نوپان‌ها و امیران نقش بسزایی داشتند. پس از بی‌احترامی گیخاتو به شاهزاده بایدو، چه امیران بایدو را به شورش و تصاحب تخت ایلخانی تحریک کرده باشند^۶ و چه بایدو برای کسب قدرت، امیران مخالف گیخاتو را به شورش و عصیان تحریک کرده باشد، امیرانی از قبیل توداجو یارغوچی، چیچاک کورگان، لگزی و ایلتمور در بغداد به بایدو پیوسته و با کشتن

۱. اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ۲۴۶.

۲. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ۱۳۵/۳؛ آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۴۸-۱۴۹.

۳. گیخاتو مدت‌ها در دوران اباق‌خان و ارغون‌خان در روم به سر برده و در آن‌جا در تحولات سیاسی-نظامی نقش بسزایی داشت. زمانی (۶۹۱ق) که او در آذربایجان تازه به تخت نشسته بود، گروهی از ترکان برضد سلطه ایلخانان در روم شورش کردند و گیخاتو برای حفظ منافع خود در این ناحیه شخصاً برای رسیدگی عزم آن‌جا کرد (آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۴۸؛ تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ۱۲۰).

۴. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۴۹-۱۵۰؛ تتوی و قزوینی، تاریخ الفی، ۴۲۲۳/۵؛ بویل، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان»، ۳۵۱.

۵. ابوالعلا سوداوری، «نخستین فرمان فارسی ایلخانان»، ترجمه محسن جعفری مذهب، میراث جاویدان، شماره ۲۹ (بهار ۱۳۷۹): ۳۳.

۶. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن‌فوطی، الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المانة السابعة، به تحقیق مهدی النجم (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق)، ۳۲۷.

محمد شکورچی فرمانده گیخاتو در جمادی‌الاول ۶۹۴ق در بغداد شورش کردند.^۱ هوپ امیران طرفدار مدعیان قدرت از دوره گیخاتو تا دوره غازان خان را به دو گروه امیران رومی و امیران عراقی (آذربایجانی) تقسیم‌بندی می‌کند که فرماندهی امیران عراقی با طغاجار بود. به نظر هوپ، در زمانی که بایدو خود را به‌عنوان یک مدعی تمام‌عیار نشان داد، شورش طغاجار برضد گیخاتو در جهت از بین بردن سلطه امیران رومی بر حکومت ایلخانی بود.^۲

بایدو در مرکز حکومت از حمایت و همکاری امیرانی به‌مراتب بزرگ‌تر و قدرتمندتر (از جمله دولادای ایداجی، قونجوق بال، توکال، ایلچیدای و بوغدای) از امیران عراق بهره‌مند شد.^۳ در مقابل حیل‌گری طغاجار که صفت بارز او در منابع تاریخی است، گیخاتو از دانش سیاسی آگاهی چندانی نداشت. ربان سومما (Rabban sawma) سفیر قویلای خان به کشورهای اروپایی، در مدت سلطنت ارغون‌خان تا روی کار آمدن غازان در ایران حضور داشت و شاهد عینی وقایع این عهد است. به نوشته او، در ماه‌های پایانی حکومت گیخاتو، هرج‌ومرج سیاسی حکومت ایلخانان را فراگرفته بود و او پیوسته در معرض ترس و اضطراب قرار داشت؛ زیرا توطئه، خیانت و حیل‌گری پایتخت و دربار را فراگرفته بود و گیخاتو توان غلبه بر این بحران را نداشت.^۴ ارسال طغاجار به‌عنوان نایب امیرالامرا (آق‌بوقا) برای نبرد با بایدو که با اشاره و به امید حمایت جبهه امیران طغاجار در راه تبریز بود، ناظر بر این مدعا است. طغاجار در راه پیش‌روی به‌سوی دشمن پس از فاصله گرفتن از سپاه اندک آق‌بوقا و نزدیکی به سپاه بایدو طی نامه‌ای عنوان داشت ((تا دیروز تو [آق‌بوقا] به یرلیغ گیخاتو امیر بودی و اکنون من به یرلیغ بایدو امیر هستم)) و بدین ترتیب، عصیان خود را آشکار ساخت. در عمل بدون بروز نبرد آق‌بوقا با اندک سپاه‌یانی که اطراف خود داشت به نزد گیخاتو گریخت.^۵ گیخاتو پس از شکست در حین عقب‌نشینی به مرکز نفوذ خود در آسیای صغیر در منطقه بیله‌سوار گرفتار سپاه قنچق بال و طولادای شد. آنان در ۶ جمادی‌الاولی ۶۹۴ق گیخاتو را با زه کمان خفه کردند. آق‌بوقا نیز دستگیر، زندانی و بعداً کشته شد.^۶

بایدو نیز مانند ارغون و گیخاتو به هر یک از امیران حامی خود خلعت‌ها و حکومت ولایتی را واگذار کرد. امیر طولادای ایداجی را به حکومت عراق عجم، لرستان و نواحی آن نصب کرد. قنچق‌بال به حکومت

۱. تنوی و قزوینی، تاریخ الفی، ۴۲۳۳/۵-۴۲۳۴؛ این فوطی، همانجا.

2. Michael Hope, *Power, Politics, and Tradition in the Mongol Empire and the Ilkhānate of Iran*, 165.

۳. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۵۷-۱۵۸؛ محمود بن محمد آقسرائی، مسامرة الاخبار و مسایرة الاخبار، به تصحیح عثمان توران (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲ش)، ۱۸۳.

4. Rabban Sawma and Rabban Markos, *The monks of Kublai khan emperor of China*, 65.

۵. آقسرائی، همانجا؛ تنوی و قزوینی، تاریخ الفی، ۴۲۳۴/۵؛ آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۵۸-۱۵۹؛ اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ۶۹۴.

۶. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۵۹؛ بویل، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان»، ۳۵۳.

شیراز و شبانکاره دست‌یافت و توداجو حکومت بغداد و توابع آن را به دست آورد. در رأس این امیران، طُغاجارنویان منصب امیرالامرای و فرماندهی سپاه یافت و حکومت روم و دیاربکر نیز ضمیمهٔ مناصبش شد.^۱

بررسی علل جدایی طُغاجار از بایدو و گرایش به غازان به‌خوبی روابط بین ایلخان با نویان‌های ارشد و همچنین روابط اعضای نهاد امارت باهم و انتظارات آنان را نشان می‌دهد. طُغاجار به چند دلیل عمده به‌سوی غازان‌خان متمایل شد. او تحت تأثیر موضع‌گیری‌های صدرالدین زنجانی^۲ و امیر نوروز که هر دو حامی غازان بودند، از ادامه همکاری با بایدو که غروب سلطنت او را نزدیک می‌دید، منصرف شد.^۳ علت اصلی جدایی طُغاجار از بایدو را باید در صفات شخصی این امیر، نفوذ امیر توداجو در نزد بایدو به‌جای طُغاجار و جایگاه قدرتمند غازان در بین مغولان آن عصر جستجو کرد. با تغییر موضع طُغاجار امیران جبههٔ او نیز به‌عنوان دوستداران غازان مطرح شدند. چنان‌که از نامهٔ طُغاجار به غازان برداشت می‌شود، او دریافته بود که در این نبرد بازندهٔ نهایی بایدو است، زیرا بسیاری از امیران و سربازان ترک - مغول در ایران و دربار حتی در سرزمین‌های غربی که مورخان عربی نشان می‌دهند، خواهان سلطنت غازان‌خان بودند.^۴ چنان‌که رشیدالدین فضل‌الله همدانی تأیید می‌کند، در کنار توانمندی شخص غازان و حمایت امیر نوروز از او، جدایی طُغاجار از اردوی بایدو و حمایت او از غازان عامل مهمی در روی کار آمدن غازان‌خان است.^۵ غازان پس از پیروزی برای مشروع جلوه دادن حکومت و از بین بردن مخالفان، به‌صورت جدی با دشمنان خود برخورد کرد. مخالفان زندانی شدند، به قتل رسیدند و یا به مناطقی چون آذربایجان، روم، آناطولی، گرجستان و مصر گریختند. بایدو به همراه امیر قنچق‌بال و توکال از یاران نزدیک طُغاجار که برخلاف او به بایدو خیانت نکردند، به گرجستان گریخت و حوالی نخجوان (سال ۶۹۴ ق.) دستگیر و به دستور امیر نوروز که اکنون قدرت زیادی به‌دست آورده بود، کشته شد.^۶

۱. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ۱۴۰/۳؛ آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۶۱؛ اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ۹۵؛ بویل، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان»، ۳۵۳.

۲. صدرالدین خالد زنجانی اولین فعالیت‌های اداری خود را در آغاز جوانی از رکاب طُغاجار شروع کرد و به‌تدریج به خاطر توانمندی در ادارهٔ امور مالی و اداری مربوط به اولوس طُغاجار در نزد این امیر عزیز شد (منشی کرمانی، نسانم‌الاسحار، ۱۰۹-۱۱۰).

۳. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ۶۰، ۶۷؛ آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۸۲؛ بناکتی، روضة اولی الالباب، ۴۵۵؛ منشی کرمانی، نسانم‌الاسحار، ۱۰۸-۱۱۴؛ تنوی و قزوینی، تاریخ الفی، ۴۲۶۷۵-۴۲۶۸۰؛ شهاب‌الدین احمد نویری، نه‌ایة الارب فی فنون الابد (قاهرة: دار الکتب و الوثائق القومية، ۱۴۲۳ ق.)، ۴۰۷/۲۷.

۴. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ۸۳؛ آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۸۲؛ نویری، نه‌ایة الارب، ۴۰۸/۲۷؛ ابن فوطی، الحوادث الجامعة، ۳۲۸.

۵. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ۸۸؛ اشپولر نیز تشرف غازان‌خان به اسلام و خیانت طُغاجار به بایدو را دو دلیل اصلی پیروزی غازان‌خان دانسته است (اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ۹۶).

۶. مستوفی، تاریخ گزیده، ۶۰۲؛ آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۸۲-۱۸۳؛ بناکتی، روضة اولی الالباب، ۴۵۶-۴۵۷؛ عبدالرحمان ابن‌خلدون، العبر، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.)، ۷۰۵/۴؛ نویری، نه‌ایة الارب، ۲۹۷/۳۱.

۴- طغاجار در عهد غازان خان: تبعید به آسیای صغیر

طغاجار برخلاف یاران خود زنده ماند و به حکومت بخشی از منطقه روم (آناتولی) فرستاده شد. در این دوره طغاجار در کنار غازان خان با امیر متنفذ و سیاست‌مداری به نام نوروز نیز معاصر بود. دور کردن طغاجار از تبریز چه سیاست امیر نوروز باشد^۱ و چه سیاست شخص غازان خان^۲، هر دو از کنار زدن امیری که به شدت دارای روحیه گریز از مرکز و خودمختاری بود، سود می‌بردند؛ به‌ویژه غازان خان که به گفته مستوفی، حضور دو امیر شورشی یعنی نوروز و طغاجار در مرکز حکومت تهدید بزرگی برای ایلخان به شمار می‌رفت.^۳ طغاجار در حالی روانه آناتولی شد که این منطقه به یکی از کانون‌های اصلی قدرت و رقابت امیران تبدیل شده بود. سماغار و پسر او عرب در کنار بالتو و سولامیش از امیران صاحب قدرت در آسیای صغیر بودند که طغاجار باید با آنان رقابت می‌کرد.^۴

با شرکت طغاجار در شورش شاهزاده سوکای، امیر برلا و امیر ارسلان برضد حکومت مرکزی مشخص شد که او راضی به اطاعت از غازان خان نیست. از این رو، ایلخان امیر خرمنجی را مأموریت داد تا با کسب حمایت امیران حاضر در آسیای صغیر کار این امیر شورشی را پایان دهد.^۵ طغاجار با از بین رفتن جبهه امیرانی که از سال‌های پایانی حکومت ارغون تا سال ۶۹۵ ق رهبری می‌کرد، بیشتر قدرت و نفوذ خود را از دست داده بود؛ از این رو، در مقابله با امیران آسیای صغیر چند بار گریخت و همکاری او با امیر عزالدین حاکم قلعه یا منطقه قراحصار دمرلو (قلعه دومرلو حصار) نیز به جایی نرسید.^۶ گرچه غازان خان به خرمنجی قول داده بود پس از پایان دادن به کار طغاجار، او را به امارت و حکومت روم می‌گمارد، از دل همکاری امیران نافذ این ناحیه با خرمنجی، بیشترین سود نصیب امیر بالتو شد و او توانست با کنار نهادن خرمنجی به عنوان نماینده حکومت مرکزی خود را نماینده امیران منطقه قرار داده و مبارزه با طغاجار را هدایت کند.^۷ طغاجار که در سیواس نیز نتوانست با سپاه بزرگ بالتو و امیرعرب مقابله کند، به قونیه پناه برد. قونیه به محاصره گرفته شد و طغاجار در هنگام نبرد (ذی‌الحجه ۶۹۵ ق) نه توسط نیروهای غازان خان که توسط

۱. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ۱۸۴.

۲. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ۶۹-۹۷.

۳. مستوفی، تاریخ گزیده، ۶۰۳.

۴. آقسرائی، مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار، ۱۸۹-۲۰۰.

۵. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ۱۰۱؛ مستوفی، تاریخ گزیده، ۶۰۳.

۶. محمدجواد مشکور، اخبار سلجوقنامه ابن‌بی‌بی (تبریز: کتابفروشی تهران، ۱۳۵۰)، ۴۵۱؛ آقسرائی، مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار، ۱۹۰-۱۹۲.

۷. همان، ۱۹۳-۱۹۶؛ نورالدین محمد نوری اژدری، غازان‌نامه منظوم، به کوشش محمود مدبری (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۰ش)، ۱۵۹؛ مشکور، اخبار سلجوقنامه روم، ۴۵۳.

سپاه بالتو کشته شد.^۱

قتل طغاچار در فضای سیاسی آسیای صغیر تأثیر منفی بر جای گذاشت. اتحاد سپاهیان آسیای صغیر برای غلبه بر طغاچار زیر فرمان بالتو که به گزارش ابن‌بی‌بی سپاهی عظیم بود، فضا و قدرت لازم را فراهم کرد تا امیری دیگر که او نیز همانند سایر هم‌ردیفان خود تمایل گریز از مرکز و نافرمانی داشت، در برابر ایلخان سر به عصیان بردارد.^۲ بالتو پس از قتل طغاچار خود به محاصره نیروهای امیرعرب پسر سماغار و سولامیش درآمد و در اواخر همان سال کشته شد.^۳ بعد از شورش و قتل طغاچار در منطقه آسیای صغیر، این ناحیه به یکی از کانون‌های اصلی مخالف حکومت ایلخانان تبدیل شد و امیران متعددی در این ناحیه برضد ایلخانان عصیان کردند. در ۶۹۸ق سولامیش نیز که بالتو را کنار زده بود، برضد حکومت مرکزی ایلخانان شورش کرد و فراتر از طغاچار و بالتو، در مسایل سیاسی حکومت سلجوقیان روم دخالت کرد و هم‌چنین با حکومت ممالیک نیز دست اتحاد داد.^۴

نتیجه

نهاد امارت و در رأس آن امیران و نوپان‌ها نقش بسزایی در تحولات سیاسی دوره ایلخانان داشتند. مهم‌ترین عرصه سیاسی که دخالت در آن با منافع امیران گره خورده بود، مسئله جانشینی و انتخاب ایلخان است که از دوره سلطان احمد تگودار تا پایان سلسله ایلخانی همچنان روندی جاری بود. از دل این جریان امیرانی چون طغاچار زاده شدند که با قدرت‌طلبی ذاتی از یک‌سو و ضعف خوانین معاصر خود از سوی دیگر فضای سیاسی را به سوی نبردهای داخلی سوق دادند. ویژگی‌های شخصیتی و قدرت‌طلب بودن امیر طغاچار از عوامل تعیین‌کننده در منش سیاسی او بود؛ اما آنچه از او امیری با خلاف‌ها و توطئه‌های مکرر ساخت، فضای سیاسی آشفته و ضعف خوانین مغولی بود. او تا دوره اقتدار ارغون همچنان به‌عنوان امیری مطیع تصویر می‌شود؛ ولی زمین‌گیر شدن ارغون‌خان، مشخص نبودن جانشین و تکاپوهای دیوان‌سالاران و دیگر نوپان‌ها برای کسب قدرت، او را نیز وارد فضای ملتهب سیاسی کرد. گیختاو و سپس بایدو نیز ضعیف‌تر از آن بودند که بتوانند بر امیرانی بانفوذ چون طغاچار غلبه کنند؛ درحالی‌که از مشروعیت لازم نیز برخوردار نبودند. آن دو توسط شماری از نوپان‌های قدرت‌طلب به قدرت رسیدند و توسط نوپان‌هایی که به

۱. مشکور، اخبار سلاجقه روم، ۳۷۰، ۴۵۳؛ تاریخ آل‌سلجوق در آناطولی، به تصحیح نادره جلالی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۷ش)، ۱۳۱-۱۳۲؛ آقسرای، مسامرة الاختیار و مسایرة الاخیار، ۱۹۳-۱۹۶.

۲. تاریخ آل‌سلجوق در آناطولی، ۱۰۵؛ بویل، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان»، ۳۵۸؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ۳۵۸، ۳۷۰.

۳. تاریخ آل‌سلجوق در آناطولی، ۱۳۲.

۴. آقسرای، مسامرة الاختیار و مسایرة الاخیار، ۴۴-۲۴۰؛ همدانی، تاریخ مبارک غزالی، ۲۲-۱۲۰؛ نویری، نهاية الارب، ۴۱۰/۲۷.

پاییز و زمستان ۱۳۹۸ نقش طغاجارنویان در تحولات سیاسی - نظامی عهد ایلخانی ۱۳۳
دنبال منافع شخصی خود بودند، کشته شدند. رابطه طغاجار با خوانین ایلخانی، نویان‌ها و امیران معاصر خود و هم‌چنین دیوان‌سالاران ایرانی قابل توجه بود. او در به قدرت رساندن سه ایلخان (ارغون، بایدو و غازان) و عزل و قتل سه ایلخان دیگر (احمدتگودار، گیخاتو و بایدو) به‌ویژه قتل گیخاتو، قتل و ازپادرآوردن سه امیرالامرای متنفذ (بوقا، شیکتور و آق‌بوقا) و چند وزیر، به‌ویژه سعدالدوله، نقش مشهودی داشت.

فهرست منابع:

- آسرای، محمود بن محمد. مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار. به تصحیح عثمان توران. تهران: اساطیر، ۱۳۶۲ ش.
- آیتی، عبدالمحمد. تحریر تاریخ و صاف. تحریر عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. العبر. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- ابن فوطی. الحوادث الجامعة و التجراب النافعة فی المائة السابعة. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
- اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ مغول. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.
- اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میر آفتاب. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱ ش.
- ابن بطوطه. سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: آگه، ۱۳۷۶ ش.
- بناکتی. فخرالدین ابوسلیمان داوود. روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب. به تصحیح جعفر شعاع. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ ش.
- بویل، ج. آر. «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان». در تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا پایان دولت ایلخانی، ترجمه حسن انوشه، ۲۸۹-۳۹۷. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹ ش.
- تاریخ آل سلجوق در آناطولی. به تصحیح نادره جلالی. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۷ ش.
- تنوی، احمد و آصف‌خان قزوینی. تاریخ الفی. به تصحیح غلام‌رضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- جوینی، علاالدین. تسلية الاخوان. به تصحیح عباس ماهیار. تهران: آباد، ۱۳۶۱ ش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. تاریخ حبیب السیر. تهران: خیام، ۱۳۸۰ ش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. دستور الوزراء. به تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال، ۱۳۵۵ ش.
- سودآور، ابوالعلا. «نخستین فرمان فارسی ایلخانان». ترجمه محسن جعفری مذهب. میراث جاویدان، شماره ۲۹ (بهار ۱۳۷۹): ۳۳-۳۶.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. مجمع الانساب. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.

شماره ۱۰۳	تاریخ و فرهنگ	۱۳۴
	- رجب‌زاده، هاشم. آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل‌الله. تهران: توس، ۲۵۳۵ شاهنشاهی.	
	- رضوی، ابوالفضل. «جایگاه اشرافیت نظامی در ساختار سیاسی عهد ایلخانان». جامعه‌شناسی تاریخی، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۷۷-۵۳.	
	- عباسی، جواد. امارت در ایران عهد مغول. رساله دکتری، دانشگاه تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۷۹ ش.	
	- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده. به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.	
	- مشکور، محمدجواد. اخبار سلاجقه روم به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن بی‌بی. تبریز: کتابفروشی تهران، ۱۳۵۰ ش.	
	- منشی کرمانی، ناصرالدین. نسائم الاسحار من لطائف الاخبار. به تصحیح میرجلال‌الدین محدث ارموی. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴ ش.	
	- نبئی، ابوالفضل. تاریخ آل چوپان. تهران: دانش امروز، ۱۳۵۲ ش.	
	- نخجوانی، محمد بن هندوشاه. دستور الکاتب فی تعیین المراتب. به تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده. مسکو: دانش، ۱۹۷۶.	
	- نطنزی، معین‌الدین. منتخب التواریخ معینی. به تصحیح پروین استخری. تهران: اساطیر، ۱۳۸۳ ش.	
	- نوری اژدری، نورالدین محمد. غازان‌نامه منظوم. به کوشش محمود مدبری. تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۰ ش.	
	- نوری، جعفر، علی‌اکبر کجباف و فریدون اللهیاری. «محکمه یارغو: پژوهشی در باب محکمه قضایی ایلخانان مغول»، تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۴ (زمستان ۱۳۹۳): ۱۳۹-۱۵۷.	
	- نویری، شهاب‌الدین احمد. نهاية الارب فی فنون الادب. قاهرة: دار الکتب و الوثائق القومية، ۱۴۲۳ ق.	
	- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. تاریخ مبارک غازانی. به تصحیح کارلیان، هرتفرد: استفن اوستین، ۱۳۵۸ ش.	
	- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. جامع التواریخ. به تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی. تهران: البرز، ۱۳۷۳ ش.	
	<i>Power, Politics, and Tradition in the Mongol Empire and the Īlkhānate of Iran.</i> - Hope, Michael New York: Oxford University press, 2016.	
	and rabban Markos. <i>the monks of Kublai khan emperor of China.</i> - Sawma, rabban Translated by E. A. Wallis budge. London: the religious tract society, 1928.	
	Brosset, M. F. <i>Histoire de La georgie.</i> St. Petersburg: anonyme, 1849.	